

دولت تداوم یا دولت تحول؟

تحول خواهی؛ تمهیدی برای برون رفت از «حصار وضع موجود»

مهدی جمشیدی /

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



مدت درخور توجهی است که همه مردم در «احساس ناخوشایند و تلخی» که درون شان رامی رنجاند و زندگی شان را به چالش می کشد، سهیم و شریک هستند، و آن «احساس جمعی»، این است که وضعیت موجود، «خرسندکننده» و «رضایت بخش» نیست و حکمرانی، گرفتار «حفره ها و کاستی های تکرار شونده» است. آری؛ به هیچ رو نباید «خدمات» و «حسنات» را نادیده انگاشت و چشم بر روی «پیشرفت ها» و «موفقیت ها» فروبست و دست به عمل ناجوانمردانه «سیاه نمایی» و «منفی بافی» زد، اما در کنار این، «واقعیت های تلخ» را نیز نباید نادیده انگاشت و نباید «ضعف ها» و «نقص ها» را از دامنه تحلیل و داوری خویش، بیرون راند. واقعیت، ترکیبی از همه این ها است؛ چه «کامیابی ها» و «پیشروی ها» و چه «شکست ها» و «عقب ماندگی ها». ندیدن یکی از این دو، «خوش خیالی» و «ساده نگری» است.

براین اساس باید گفت که چندی است زخم ها و دردهای مردم، بیش از همیشه «آزاردهنده» و «رنج زا» شده و «فریادهای اعتراض» را در آن ها برانگیخته است. به طور خاص، ندانم کاری ها و بی عملی ها در دولت قبل، وضعی را پدید آورده است که مردم از آن دفاع نمی کنند و آن را مطلوب و خوشایند نمی انگارند.

از طرف دیگر، «امراض دیرینه» و «مشکلات مزمن»، به اعتماد و اطمینان مردم، آسیب رسانده اند؛ به این معنی که ما با پاره ای از «زخم های چرکین شده» و «مسئله های پایان نیافته» روبه رو هستیم که از دوره ای به دوره دیگر و از دولتی به دولت دیگر «منتقل» شده اند، بی آن که «گشوده» و «برطرف» شوند. وجود این قبیل مشکلات مزمن، برخی را به سوی «تحلیل ها و تفسیرهای نومیدانه» سوق داده و آن ها را گرفتار «مرداب نشینی» و «بی تفاوتی» کرده است، حال آن که هیچ «بن بست» و «انسدادی» در میان نیست و مشکلات مزمن، بر عجز و ضعف انقلاب، دلالت ندارند. مشکلات مزمن، از «دُمَل های بزرگ» و «دردهای انباشته» حکایت می کنند، اما هرگز به معنی «نشدن» و «نتوانستن» نیستند. به هر حال، قدم نخست این است که شفاف و بی پرده، بپذیریم که چنین زخم ها و امراضی وجود دارند و این ها، مردم را به صورت جدی و گسترده، «آزار» می دهند و برخی از آن ها را «بدبین» و «منفعل»